

و بعضی مهیکل مبارک یاد بغل گرفت اظهار شکر کردند مخصوص رئیس مجلس که خضوع تمام دوباره  
استاده از اهمیت تعالیم مبارک که صحبت نمود اظهار شکر کرد و از قبل عموم وجود اقدس  
را تجید و ثنا گفت حتی خانم اوسس سهایلی بعد از ختام خطابه مبارک که حتی که مناسب و مصلح  
سینه بود تقدیم نمود و اظهار ممنونیت و مسرت زیاد کرد روز ۲۸ جمادی الاولی (۱۳۱۵)  
در آنجا اقامت فرمودند و بسیاری از نفوس بساحت انور مشرف و بهر یک نوعی  
ابلاغ امر الله و مسائل الهیه می نمودند اما در خصوص کانفرانسهای صلح برای جمعی حکایت  
می نمودند که من وقتی جهتای ایران نوشتم که عضای کانفرانسهای صلح اگر اجراء  
انچه میگویند توفیق نیابند مثل آنها مثل می فرود شایست که در حرمت و مضرت  
شراب انجمنی هتیا و مذاکرات موکده نمایند اما چون از انجمن بیرون روند باز بی فروشی  
مشغول شوند و کمافی استابق بکار خود پروازند پس قوه اجری و تاثیر باید تا مانند  
روح در جسد عالم نفوذ نماید باری خطابه مبارک که متعلق بان کانفرانس دو بودگی حرب  
خواهش رئیس مسائل الیه مشروح و مفصل مرقوم فرموده بودند که قبل از انعقاد کانفرانس  
در کتاب طبع و نشر شود و ثانی خطابه مبارک که در مجمع شب اول کانفرانس بود که بواسطه  
خدام حضور مرقوم و مسطور گردید روز ۲۹ جمادی الاولی (۱۳۱۵) عکس مبارک  
را با خدام حضور برداشتند و پس از آنکه نفوس محترمه که مشرف شدند و بسیار  
منجذب و مشتعل بودند اراده حرکت فرمودند مستر سهایلی رئیس کانفرانس فی الحقیقه  
احترامات فائقه مجری داشت در ضمنی حرکت مبارک نمی شد فرمودند چون ملاقات

نفوس کثیره و مجامع عدیده در پیش دارم لذا باید حرکت نمایم و تا وقت حرکت مبارک  
 رئیس مذکور با نهایت خضوع در محضر اطره حاضر بود و یک تنه از قالیچه های ممتاز ایرانی  
 هم بایشان عنایت شد و بی نهایت شاکر گردید و چون مراجعت بنیویورک فرمودند  
 جمعی از اجتامشرف و از استماع اخبار انجذاب و توجه نفوس در کانفرنس بسیار  
 مسرور بودند و چند روز بعد در جرالد ذکر خطابه های مبارکه در مجالس صلح با نهایت  
 عظمت منتشر و مشهور گردید و زیاد تر سبب گاهی بهیجران شد روز ۳ جمادی الاول  
 ۱۷۰۵ ایام پس از تشریف بعضی از اجتام چون جمعیت زیاد شد و شرفیابی یک یک  
 غیر ممکن بود لهذا در بیرون بیجمع اجتام تشریف فرما شدند و نطقی مفصل که عنوانش  
 ذکر کانفرنس لک تنهاگ بود فرمودند و لزوم نفوذ و احب برای صلح و اتحاد بین مل  
 رابقوه روح القدس شرح دادند و آن ایام اغلب عصر با چون خسته می شدند تنهای باغ  
 کنار نهر دیورساید تشریف میبردند می فرمودند روی علفها میخوابیم از خستگی بیرون  
 میآیم و نسکرم آسوده میشود اما اگر تنها نباشم لابد صحبت می کنم عرق میآید رفع  
 خشکی و آسایش فکر حاصل نمیشود زیرا شب و روز متصل نفوس در عبور و مرور بودند  
 و جمیع مشتاق تشریف و سان مبارک دائما ناطق و دقیقه آسایش غیر ممکن  
 آنکه تنها گاهی از منزل بیرون تشریف می بردند روز اول جمادی الاخره ۱۳۳۲  
 (۱۸۱۵) از جمله نفوسیکه بشفق تقامتشریف شدند چند نفر از کشیشهای نیویورک بودند  
 یکی از آنها دکتور رندل بود که وقتی در غیاب موباک قدس در کلیسا بعد از نماز موضوع



Abdul Baha Walking on the River Side in New York.



نطق و وعظ خود را حیات و تعالیم عبده بسیار قرار میدهد و مرادشس گرفتن سر  
 مشق از سلوک و شی مبارک بوده چنان آن نطق و وعظ موثر میشود که بعضی بگریه میافتند  
 لذائش مذکور با نهایت خضوع رجاء نمود که در کلیسای او خطابه ادا فرمایند فرمودند  
 چون زین هفته بمجامع بستن موعودم لذا موقوف بر اجتهت است از روز صبح جمال و جلال  
 و لبریمیان در کلیسای ابوت الهیه در برای عموم بود اول قستیس آن کلیسا دکتور مال  
 با نهایت خلوص شرحی مفصل از ظهور حضرت باب و حضرت بهار الله بیان نمود  
 و تفصیل خلافت الهیه و بیان عهد الهی و معنی عبدالبهار را تفهیم نفوس کرد و اتحاد مذموب  
 و حل مختلفه در ظل امر حضرت بهار الله شرح داد که این امر همان حقیقت ادیان الهیه است  
 و سبب اخوت و یگانگی و صلح عمومی پس سبک انور قیام نمودند و در وحدت پادیان  
 و تعالیم ظهور بدیع خطابه شے ادا کردند که جا بهار را منجذب بنفحات الهیه فرمودند و در  
 ختام خطابه مبارک جمعیت کلیسا همسئلت نمودند که از کی طرف بحضور مبارک آمده است  
 میدادند و از طرف دیگر مخص میشدند با وجود این باز وقت حرکت بیرون کلیسا  
 جمعیت آنقدر دور کاسکه مبارک حلقه زده بودند که راه عبور نبود روز ۲  
 جمادی الاخره (۱۹۱۵ مای) چون صاحب عمارت متسن از کثرت آمد و شد و عبور نفوس  
 شکایت کرده بود لهذا شرف و اجتماع احباب را منزل ستر و مسکنی قرار فرمودند  
 از جمله نفوسیکه از روز تازه مشرف شدند بعضی از جاها مهابی اسرائیلی بودند و آن شب  
 کلیسای اخوت در نیوجرسی بقدم مبارک شرف و افتخار ابدی یافت در بدایت

محل شیش محترم آن کلیسا دکتور آیوز که در راحت قدس مقبول بود و از تئیسهای مخلصین بشمار میرفت محامدی در معرفی طلعت پیمان بیان کرد و مطلبی که مکرر و مؤکد بنفوس کلیسا ذکر نمود این بود که این معلم جلیل و پیشبر امر الهی از بدایت ورود مبارکشان با بریکاهوتل انسونیا از حسدی قبول خدمتی نفس نمودند جمیع مصارف را خود متحمل شده اند و علاوه در محافل فقرا و کنائس امریکا همیشه اعانت کلی کرده اند چون از هر جهت در فضائل امریه و عظمت عهد الله داد سخن داد آنگاه مبعکل اقدس قائم و در اخوت روحانی و وحدت عالم انسانی خطابه ای داد نفس نمودند که انجذاب و اشتیاق قلوب افزوده گشت چنانکه پس از دست دادن توپیم و عبور یک یک از حضور مبارک چون با و طاق کلیسا تشریف بردند باز جمعیت زیادی اجازه خواسته شرف شدند و در جواب سوال از استماع بیانات مبارک که چون گل خندان و جمیع شکرگو و ثناخوان بودند روز ۳ جمادی الاخر (۲۰ مای) در منزل مسکنی از جمله نفوسیکه بشرف حضور شرف گردیدند بعضی از تئیسهای متعصب مسیحی بودند و نطق مبارک در جواب آنها در خصوص سوره تفاسم بین سیمیان در باره اسلام بود با آنکه امروز با نهایت تاکید و شدت در اثبات حقیقت اسلام نطق فرمودند معذکات از سطوت بیان و غلبه پرمان با سسر و رخصوعی فوق العاده شیشها مخص شدند و اول شب مجلس پرشوری بواسطه خانهای حقوق طلب محض خطابه مبارک که هتیا چون سواره در اتوبیل ستر میلز تشریف می بردند می فرمودند قدر این اتوبیل را بدینید که بعد ما خواهند گفت که این مرکب بندگان جمال مبارک بوده

و چون مجلس مذکور نزول اجلال فرمودند جمعیت همه برخاستند و اطهار شافت  
 و سرت کردند اول نطق رئیس مجلس در بلایا و سخن وجود مبارک معنی عبد لهما بود بعد  
 بیگل نور خطابه که مفصل درباره حقوق و تربیت نساء فرمودند که در میان آنها از شوق  
 هیجانی عظیم نمودار شد مانند سایر مجامع جمیع نعلها افتادند و تا صین حرکت رجال نساء  
 دست میدادند و از حضور مبارک رجای تائید میکردند روز جمادی الاخره  
 (۲۱ مای) صبح و عصر دو مرتبه در مجمع عمومی نطق فرمودند یکی از وصایا و نصایح جمال اعلی  
 باطل بها و دیگری و دایع با اجبا و ذکر سفر بستن و وعده سرعت مراجعت می فرمودند از روز  
 عهده طفال اجبا جمعی شرف شدند که با کمال شفقت و عنایت آنها را در آغوش گرفته نوازش  
 می فرمودند و اجبارا گوگد امر بر تربیت بهائی و روحانیت آن نونهالان حدیقه احسان  
 می کردند و آن محافل را دیدن ذوق داشت که با نهایت جذب و شوق صغیر و کبیر نمایند  
 پروانه طائف حول جمال غیر بودند روز جمادی الاخره (۲۲ مای) صبح ساعت سه  
 از نیویورک عازم بستن شدند و ساعت چهار و نیم بعد از ظهر بستن در هتل چارلس  
 گتت "نزول اجلال فرمودند در حالتیکه جمعی از نمایندگان محافل و مجامع در استیگاه  
 راه آهن پیشوا از قدم نور آمده و در رکاب مبارک مراجعت نمودند همچنین جمعی از اجبا  
 منزلی را مزین با انواع گلها نموده و هر نوع اسباب پذیرائی مهیا کرده بودند آتش اول  
 مجمع بستن ساعت ده کنفرانس موقدین در معبد ترامونت که بزرگترین معاابد انجا بود منعقد  
 رئیس جمهور نیز از اعضا آن انجمن مهم، و از کنائس موقدین امریکا و کند تقریباً هشتصد

تفرشیش در آن کنفرانس حاضر جمعیت ساثرین نیز بدو هزار نفر رسید صدر آن  
 انجمن و میران مجلس نائب الحکومه بستن بود و در معرفی طلعت عهد شهبان بیانات مطلق (که)  
 اشب ما در این محفل عظیم حرّامات فائقه و مستنان قلبی اطهار میسریم نسبت باین  
 شخص محترم جلیل صلح دوست که از شرق بفریب آمده اند تا اساس وحدت عالم انسانی  
 و صلح عمومی را ترویج فرمایند فی الحقیقه این سرور عظیم و افتخار بزرگیت که این وجود مبارک  
 در مجمع ما حاضر شده اند لهذا نهایت افتخار من نیست که حضرت عبدالبهار ابشما معرفی نمایم  
 چون حضرت مولی الوری قیام فرمودند آن جمعیت بی اختیار برخاستند و بسیار  
 دست زدند هر چند در سایر مجامع از پیش نیز گزین و رودیا قیام مکی انو جمعیت بر میستند  
 ولی این مجلس اهمیت دیگر داشت چه که اعضا از متجین و رؤسای محافل و ممالک بودند که  
 باین درجه احترامات عظیمه مجری داشتند و نطق مبارک در آن محفل در خصوص تجسد و  
 و ترقی کائنات بود و چنان در قلوب و نفوس مؤثر و نافذ که حضار کفها برکت زدند و  
 و لوله ها آشکار کردند روز عجمادی الاخر (۲۳ می) در منزل مبارک دست  
 دست احباب و غیاء شرف و صد و رعنایات بهر یک چون نزول قطار محبسی نفوس  
 و مفرح قلوب بود از آنجمله یکی از ارباب جرائد در پنج دقیقه بیانات مبارک که چنان او را منقلب  
 و منجذب کرد که فوراً اذعان باقبال نمود و تخریر و نشر مقالات مهمه پرداخت چنان ختمی  
 برسد و مبارک گریبان و نالان افتاد و رجای تائید دروقف و حصر اوقات خویش  
 بر خدمات امریه نمود وقت ظهر وجود مبارک بنیس هوس انجمن اعانت فقرای سوری



و یونان شریف بردند عضای آن نجمن با کمال شوق تدارک نامار دیده لدی لور و دخام  
 محترمه که رئیس آن نجمن بود پذیرائی و رود مبارک مشغول و در یکی از اوطاقهای بزرگ  
 سر نیز و سفرهائی که با انواع طعمه شرقی مزین بود حضرت مولی الوری را در طرف دست راست  
 چنانکه از رسومات اعزاز و احترام فوق العاده اهل غربت نشاندند جمعی از اعضا و نجمن  
 نیز در حضور مبارک سر نیز حاضر و مشرف از جمله بیانات مبارکه سر سفره این بود که خوشحال  
 شما که بخدمت فقرا مشغولید بزرگترین سعادت من نیست که از فقرا محسوب شوم بعد از  
 صرف نامالجمع شریف بردند و لفظی فصیح فرمودند که از تاثیر بیانات فقر و فنا آثار  
 بشارت عظمی از وجوه ظاہر و انہار منونیت کبری و رد زبان اصاغ و اکابر بود و حین  
 حرکت ده لیره برای اعانت فقرا عنایت فرموده در اتوبیل پر و فرس بلکس سوار شدند  
 و جمعیت دور مرکب مبارک همه جمع بودند و بجز یک طهار عنایت می فرمودند  
 و پر و فرس مذکور در رکاب مبارک تا بشهر و ستر که بفاصله پنجاه میل از بستن دور است  
 تشریف فرما شدند چون آن را خیلی خوش هوا و از هر طرف سبز و خرم و بی نهایت صفا  
 بود بیانات محزنه غلب در ذکر و یاد جمال قدم و اسم عظیم از فم اهر صادر که کاش جمال  
 مبارک باین صفحات تشریف آورده بودند از بس جمال مبارک چگونه مناظر را دوست  
 میداشتند غلب در سفر هر جایسکه سبزی بیشتر و صحرا خسترم تر بود امر بتوقف میفرمودند  
 وقتی از کنار دریا چشمتی مرکب مبارک میگذاشت چنان آن سبزی صحرا و صفای رولطافت  
 هوا در نظر مبارک مقبول افتاد که تا چند ساعت مکث فرمودند در لیتس یکده جمیع قافلہ ایستاده

و منتظر حرکت بودند و بیچای جوت جارت در تاخیر حرکت نداشتند، خلاصه نوعی  
 بذکر جمال مبارک ناطق و تقبی با آه و افسوس ز کرمی فرمودند که رقت غریبی  
 برای قلمین رکاب اقدس روی داد تا آنکه پس از دو ساعت بشهر روسته وارد و  
 نظر بر جای پروفیسر مذکور مختصر استراحتی در منزل اندک فرموده بعد از صرف چای مجمع  
 دار لفظون که مخصوص شرف حضور مبارک منعقد شریف بردند متجاوز از هزار نفر  
 معلمین و طلاب علم و سایر نفوس حاضر اول پروفیسر مال خلی اظهار شکر و ممنونیت از نزول  
 قدم اطهر نمود پس بکل مبارک قائم و موضوع نطق حلی قدر و مقام علم بود و نوعی  
 قلوب منجذب و نفوس مشتعل که پرواز با وج علم میخواستند و بیانات دلنشین برادر صفحہ  
 قلب چون نقش نگین جای میدادند پس از ختم آن مجمع در ضیافتی مکمل و مجلل که از پیش  
 تهیه دیده بودند نفوسی از محترمین و طالبین بحضور انور شرف گشتند و چون رئیس  
 را سا خود از حضور مبارک دعوت کرده بود لیسند انهایت پذیرائی خدمت و خضوع  
 را در ساعت مبارک بجا آورد و جمعی از جوانان جاپانی و چینی و عثمانی که مشغول تحصیل بودند  
 نیز بحضور شرف و مستفیض گردیدند تا هنگام حرکت که دستهای رئیس در دست  
 مبارک بود می فرمودند «من از شما بسیار رضی هستم و از دار لفظون شما خیلی خوشنود  
 فی الحقیقه خدمت بعالم انسانی بینائی و بنوع بشر جانفشانی و من از هر چیزی بهتر خیر  
 ملکوت را برای تو میخواهم امید چنانست که سبب انتشار علوم و فنون گردی و در  
 حق تو دعا مینمایم که خدا ترا علم بدی فرماید و محبت الهی در قلبت جلوه نماید من از شما

و معلمین و متعلمین بسیار محبت و وداد دیدم و این ملاقات را فراموش نخواهم نمود همیشه  
 ذکر خدمات شمارا خواهم کرد انتهی پس ازان در اتوبیل مخصوص که رئیس برای سواری مبارک  
 حاضر کرده بود در جهت بیستن نشسته بودند و یکسره منزل همه الله مسس اسن بریدند  
 فرما شدند چون در آنشب عید مبعث حضرت علی و مولودین طاف حوله السماء بود  
 حضرات بهائیان در نهایت سرور و جشنی باشکوه برپا نموده بودند پس از ورود و در منزل  
 اقدس قدسی استراحت فرموده بعد مجمع حبا و آما و رحمن را با نوار فضل و عطا منور خستند  
 و کل با وجود ناضره مستبشره بوجه باقی نظم و شکل رویها و نصارت و غرمی اشجار وجود  
 در آن بزم چون گلشن صفادلیل و برهانی متین بود که شجره امرالله در ارض امریکاریشه محکم  
 نموده و ادراق و ازاری در نهایت درجه لطافت و طراوت دارد مختصر نطقی در خصوص  
 غرمی و سبزی اطراف و زیبائی بستن و حکایت دارلفنون فرموده بعد شرحی در باب  
 حیات حضرت علی روحی له الفسدا بیان نمودند که خیلی سبب شراح صدور و تهاج نفوس  
 گردید آنگاه در اوطاق دیگر جمع در حضور مبارک چای و شربت و شیرینی صرف نمودند  
 و امه الله مسس اسن بریدمان شیرینی که شصت و هشت شمع مطابق عدد سالهای مبارک  
 بر آن منسوب بود بحضور آورده اول شمع بر حسب جای ایشان بدست مبارک روشن  
 فرمودند و سایر شمعها را هر یک یکی از اجناس برافروخت و چون پروانه عشق بسوخت  
 تا آنکه یک یک حصه از آن بان برای تبرک بردند و خانم مشارالیه با حقیقه شمع  
 بخت و خدمتی آنشب برافروخت و مورد عنایت ساحت نور گردید روز ۷

جمادی الاخر (۲۴ مای) یازدهم و غیاردهم دسته دسته مشرف میشدند و در آن میان از  
 در باب جرائد سوالات عدیده نمودند و اجوبه مفصله شنیدند تا بعد از ظهر که میل  
 مبارک موعود کنفرانس زادی مذاهب بودند لهذا فوراً حرکت فرمودند و مجمع مذکور  
 در فردا شب یف بردند جمعیت متجاوز از هزار بود و موضوع نطق مبارک وحدت  
 اساس نبی و اتحاد ادیان الهی و چون قبل از ورود مبارک یکی از خطیب های آن  
 محل برضد ادیان نطق نموده بود لذا این خطابه مبارکه خارق العاده در انظار جلوه نمود  
 و تأثیری عظیم داشت و از طرف دیگر کشیش معصبی اعلان داده بود که مسیح باطلی با بریک  
 آمده که منکر مسیح است و چون بیان مبارک را در حقیقت انبیا بالآخر حضرت مسیح  
 شنیدند خیلی متعجب و مجذب شدند و دیگر استغنائی وجود مبارک در وقت حرکت  
 پشتر سبب جلب قلوب شد چه که امنای آن انجمن و پنجمین موحدین از حضور انور و عهد  
 خواهی نموده بودند که جمیع مصارف سفر را تقدیم نمایند ولی ابداً قبول نفرمودند  
 خلاصه وقت حرکت دست رئیس در دست مبارک بود و حضار همه کف بر کف میزدند  
 و رئیس مذکور اظهار ممنونیت و عبودیت می نمود و منتهی عنایت نیز در باره ایشان  
 از قسم طهر سادر و مبدول از انجا نظر بر جای امه الله مسس و ایت خواهر مادام حکبون  
 بشهر بوزگلین شریف بردند و در آن قصر عالی که بالای تل مرتفع مقابل دریاچه بزرگی بود  
 و گلکاری آن باغ و زیبائی آن عمارت از وصف خارج بزم تقابری پاشد و جمع کثیری  
 بساحت اقدس مشرف بسیار از آن محفل و منزل اظهار سترت فرمودند و پس از نطقی

طبع و انجذاب و توجه نفوس با توجه صبح چون شب در بستن موعود بودند حرکت فرمودند  
 و با اتوبیل مخصوص کیساعت راه را طی کرده به هتل مراجعت فرمودند بعد از آنکه سرتیپی  
 مس نکس اتوبیل برای سواری مبارک فرستاد و بمنزل آن محترمه تشریف بردند جمعی  
 از فضلا و اُدبا و فلاسفه که در اینجا حاضر و قدم مبارک را منتظر بودند پس از سوالات  
 همه اجوبه کافیه و افیه شنیدند و بسیار خاضع شدند تقریباً دو ساعت در محضر انور  
 سوال و جواب طول کشید و در خصوص صلح بین ملل و تساوی حقوق رجال و نساء و بریت  
 بیانات و امثال ذلک کلمات مبارکه متقلب قلوب بود تا بعد از صرف شربت و شیرینی  
 آن محفل با انجذاب و حالی ختم شد روز ۸ جمادی الاخره ۱۳۵۱ مای صبح از جمله  
 نفوسیکه بقبضتقا فائز جمعی از کشیشهای موحسین بودند که بعد از سوالات مختلفه  
 از سان اطهر اجوبه همه شنیدند و بخصوع تمام مرتض شدند شخصی دیگر حاخام فلاجر  
 رئیس اسرائیلیان بود که متجا و زاز کیساعت در ساعت انور بفرس سوال و اصغار خطاب  
 فائز و منتظر و چنان شاکر و منجذب که انجذاب او را شرح و وصف نتوان نمود و دیگر  
 مدیر یکی از مجله های همه لندن موسوم بدکتوریجک جواب سوالات خویش را در نهایت  
 شوق و ذوق ثبت نمود که در مجله خود درج نماید و علاوه از تشریف انگونه نفوس  
 تبتل و تسرع و ولوله اجبار در محفل صل و تقادائی بود تا بعد از ظهر که مجلسی از فلاسفه و علماء  
 بستن در منزل مبارک منعقد یکی از اینها سوال از بقای روح کرد در آن مخصوص نطقی بی نظیر  
 فرمودند که کل داله و حیران مانند و آن سه حلقه های غلم و عرفان در حلقه محبت طلعت

پیمان در آمدند و آن نطق مبارک چنان بود که حسین مراجع بان خود دهر بشاق میفرمودند  
تا بحال در بقای روح چنین بیانی نشده " و این از قوت و قدرت بیان مبارک بود  
چه که قبل از ورود بان مجمع اراده چنین نطقی نفسر موده بودند ولی بعد از سوال بلا تا فل جواب  
عنایت شد پس از آن محفل سواره باغ بستن شریف بردند و شب در تالار قتیق  
تون چمبر، بهایان محفل عظیمی که قریب هزار نفر جمعیت بود برای وداع تشکیل نمودند و حضرت  
مولی الوری خطا بی و مخصوص آیات و ترقیات قرآن سیم ادا نموده در آخر مناجاتی  
با حالت سکون و تبتل فرمودند که کل رارقیت عظیم دست داد و بانهایت جلال و وقار  
مجلس ختم گردید روز ۹ جمادی الاخره (۲۷ مای) روز حرکت مبارک از بستن بود  
صبح به مجمع حلقه الذمیه که بزرگترین مجمع اهالی سوریه در امریکا بود تشریف فرما شدند  
یکی از فصحاء کتور عربی نام وجود مبارک را معرفی نمود و با حسن عبارات و معانی ستایش  
کرد دیگری از شعرای عرب قصیده در وصف امر الله و مدح من طاف حوله الاسما  
نشاء و کرده بانهایت آداب قرأت نمود بعد طلعت من اراده الله قیام فرموده  
نطقی فصیح دانمودند که منتهیهای شور و جذب از اهالی سوریه مشاهده شد و هرگز از آن  
نفوس امید چنین خضوع و انجذابی نبود و چون از صدر انجمن آن آرام جان و تنج اول  
فرمودند همه بیست تقبیل بد مبارک هجوم آوردند زین عربی دیدند که بزحمت تمام  
از میان جمعیت خود را بر قدم مبارک انداخت و عرض نمود "انی اعترف بان فیک  
روح الله و نفس مسیح" مجالس بستن خیلی منظوری عنایت واقع علی الخصوص آن مجلس

الهی سورتیه که تا چند روز طلعت مجبور تمام شد و در ذکر آن رامی نسروند که چه آنجمنی بود  
 چگونه تا یئیدات جمال مبارک نفوس را منقلب کرد و آن آخر مجلس سبتن بود که از آنجا  
 بیوتل شریف آورد و ساعت ۲ ظهر حرکت فرمودند و ساعت (۶) اول شب  
 بنیو پورک مرکب مبارک وارد و بدون اندک استراحتی یکسر از منزل سترگنی بکلیسای  
 مونت موریتس پیش شریف بردند و بانهایت خشکی راه و ضعف در محراب کلیسا قیام  
 و بند بستون کیه نسرووه ناطق شدند و خطابه مبارکه در ذکر تمجید و لزوم استعدا  
 نفوس بجهت قبول نفقات روح القدس بود و آخر آن مناجاتی در نهایت تاثیر  
 و نفوذ آتش مظلومیت و روحانیت مسیح را کلن چشم سردیدند و تاثیرات روح القدس  
 را عموما مشاهده نمودند و این نه محض عبارت نویسی است بلکه ان و احساسات  
 نفوس همه گواهی داد و امریکه ذکر کشف فرض است نیست که در جمیع این مجامع امریکه  
 طلعت پیمان را همه اعیان بنظر پیغمبری دیدند و لو مؤمن نبودند تمام معاملات گفتارشان  
 نسبت بوجود اقدس مثل آن بود که در باره رسول و پیشوای خود محسوس میباشند  
 هر نفسی محض اظهر میرسید بر این منبج دیده میشد چنانکه وجود مبارک را همه در تحریر  
 و تفسیر خوش بینی صلح و پیغمبر شرق نیامیدند بشانیکه بعضی از متعصبین کثیشاد در  
 ناهق بدبوختند و منسفن قسیدها جمع کثیری در هر شهری بنهایت ادب و تعظیم خواستند  
 از جمله ترجمه عین عبارات بعضی از نفوس که در ذکر مبارک ناطق شده اند و عاکی از  
 کیفیت سایر مجامع و محافل طلعت عهد اقدم و دلیل بر عظمت و قدرت قیام غصن الله اعظم

است از سرار ذیل است روز آجمادی الاخر ۲۷ مای ۱۲ عصر در نیویورک در  
 متروپیتن تیل مجعی آراسته محض استماع خطابه مبارکه متجا وز از هزار نفر حاضر بودند  
 اول دکتور مال که یکی از قسینسهای محترم بود و ذکر ایشان از قبل گذشت برخاست  
 و گفت در این موقع ما مفتخریم بوجود همان محترمی که نماینده صلح عمومیست و شهرش شرق  
 و غرب را فرا گرفته عالم بشر از تعالیمش فوائد عظیمه برده است برای چنین امر چنین  
 شخص جلیلی همچو مجلس عظیمی لایق است درازنه سابقه استعداد و اقتضای تأسیس مل بود  
 ولی حال زمان استعداد اتحاد مل حاصل نموده و من مفتخرم که مؤسس و مرجع این اتحاد صلح  
 عمومی را معرفی نمایم بعد از آن ستر فردر یک لینگ مؤلف کتاب صلح بین مل که شخص  
 فعالی است محترمین اعضا صلح بود برخاست و گفت "از یوم ورود حضرت عبداللها با امریکا  
 من با نهایت طلب خطابه و نطقهای ایشان را در حساب خوانده ام در نهایت اختیار  
 عرض می کنم که تا حال چند مرتبه بحضورشان مشرف شده ام و خیلی طالبم که اثر عظیمی  
 از تعالیمشان در اینجا مشاهده نمایم و آیات زاهره این پیغمبر انا فذرتینم من درنخمن  
 صلح لکت همانک نیز حاضر بودم و خطابه و نطقشان را بهترین خطابه های آن کنفرانس  
 دیدم چه که اساس تعلیماتشان وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و اتحاد ادیانست  
 و در نطقشان این روح محسوس و نافذ در قلوب است من خوش آمد میگویم این شخص  
 عزیز را که حضورشان سبب انجذاب قلوب الهی امریک شده چه ملهم بنفحات روح  
 الهی هستند و روح ایشان بیط و غیر محدود و جاذب نفوس است من بی نهایت



سرورم که در این موقع عظیم مدعو بودم که این شهادت قلبی خود را در حضور شما اعلان نمایم  
 بعد بیکل مبارک قائم و نطقی در ابوت الهیه و وحدت بشر فرمودند پس از اتمام  
 خطابه مبارکه عظیم دلیل بر قدرت و قوت عهدالله نطق حاخام موسوم بسیلورمن بود  
 که قبلاً نسبت باین امر اعتراض و احتجاج می نموده و چون بساحت مبارک شرف شد  
 بی نهایت خاضع گشت در آن کنیه چون ادب خاست گفت "امروز انوار از پیشم  
 خود دیدم همیشه انوار را بالای سرمی بینیم که از شرق طالع است ولی چون نمیسکند  
 عادت شده چندان بنظر نیاید همیشه از شرق انوار روحانی بغرب تابیده عالم محتاج  
 این انوار است و ما نیز محتاج این انوار بسد حیات است و مبددین انوار هر روز بر  
 ما نطق فرمود این شخص جلیل با قلب سلیم و روح لطیف قلوب الهی امریکه را جذب  
 کرده و جمیع را و اله و ششیدای خود فرموده و تعلیمات و محبت او در دلها شدت نافذ  
 و مؤثر ظهور اریان آنقدر است اما تعلیمات محبت و اتحاد بمنزله مغز قشر را  
 لازم داریم زیرا سبب حفاظت مغز است ای مردمان مغز و پوست حقیقت و مجاز  
 را از هم تمیز دهید چنانچه این پیغمبر محترم فرمود باید نور را از زجاج تمیز داد،  
 روز اجماعی الاخر (۲۸ مای) در مجمع بهائیان حکایت مسافرت بستن و استعداد نفوس  
 و لزوم تربیت الهی میفرمودند و علاوه از مجمع و محفل عمومی دامان نفوس طالبین مشتاقین  
 آمد و شد می نمودند و در اوطاق مبارک بشرف تمام شرف می گشتند و امروز  
 از عمارت مقابل رودپس منزل سترگنی نقل مکان نمودند و امر کرایه کردن خانه فرمودند

زیرا در موتهای واپارتمانها چون چند روز توقف میشد صاحبان محل کثرت آمد و شد  
 نفوس مختلفه را امر غیر عادی می گفتند و زحمت و تحملات خود را فوق العاده می کردند  
 که دسته دسته از صبح تا عصر مردم عبور نمایند و متصل در جواب و سوال باشند  
 ولی همیشه پس از تشریف بردن از محلی چون کسب آن محل در آخر کثرت احسان و شفقت  
 بی پایان میدیدند شرمند میشدند و هر قدر جای اقامت مبارک بار دیگر میکردند  
 قبول نمی فرمودند روز ۱۲ جمادی الاخره ۲۹ مای محفل عمومی در انجمن تیا سفیها  
 بود و نطق مبارک در مسائل روح و طی مراتب عالم وجود و تاثیرات بیانات مبارک که  
 چنان بود که حتی رئیس آن انجمن در محضر انور عبس رض رسانید که منتها آمال اتحاد تا جمین  
 تیا سفیها و اهل بهاست آن بود که هر روز سر و قلب اظهر از مشاهده نفوذ امر الله  
 زیاد تر میشد و هر وقت صحبت مبارک استفسار میگشت با کمال سرور و بی فرمود  
 صحت و سترت من در پیش رفت امر الله است امور سائره قابل توجه نه این سرور  
 سرور ابد است و این حیات حیات سردی " روز ۱۳ جمادی الاخره  
 (۲۳ مای) پس از نوازشش اجبا و تشریف جمعی از بستیدها بتالار نیورستی  
 (کلین نیویورک) تشریف فرما شدند و در مسائل علمیه و فلسفه الهی خطابه ای دادند  
 که جالب قلوب و جاذب نفوس جلیده بود و هر شخصی منقلب و آشفته و اهل بهاست مشاهده  
 نفوذ امر الله در انگونه محافل عظیمی شکر گوشتناخواران تا سیدات ملکوت ابی و آن  
 ایام اکثر اوقات وجود اقدس بصدد رالواح قدسیه در جواب غرایض مهمه اجبای

شرق و غرب مشغول و هم از روز شرمی در مجمع اجبا از ایام حیات حضرت ورقا  
 و حضرت روح الله روحی لشهادت آنها فساد در بیان نمودند و بسیار آنها رعایت  
 بیادگاران شهید فی سبیل الله حضرت میرزا عزیز الله خان و میرزا ولی الله خان فرمودند  
 و در ضمن اخبار در بعض مسائل امریه نسبتاً بخشیدند و در همان اوقات بود که مکر میفرمودند  
 من مبتین آیات جمال مبارکم و منصوص قلم علی کل باید اطاعت نمایند جمیع امور مبتین منصوص  
 رابع و اما بعد رجوع کن بیت عدل الهیت“ (روز جمعه اجمادی الاخره ۱۳۱۳ مای)  
 نظر بر جای "مستر موز" بفرن و در شرف بردند و در منزل ایشان از در علا و تشریف  
 اجبا و محفل لقاصح و عصر برای اهالی انجام منعقد و هتیا که در هر محفل ابلاغ کلمه الله و علان  
 تعالیم جمال الهی فرمودند و نفوس محترم منجذبند آواز الله گردیدند قرئ فن دو و چون  
 محل بستانی بود و دشت و صحرائی نیز در حرم داشت خیلی بنظر انور خوشنما آمد ولی  
 هر قدر رجا نمودند که گرما شدید است و هوای نیویورک غلیظ ایامی چند در این محل  
 اقامت فرمایند فرمودند "مجال تفنن و هوا خوری نداریم باید مشغول خدمت بستان  
 احدیت گردیم" خدمت و صداقت مستر موز و اهل بیتشان در محضر اهل بسیار مقبول  
 و مکر در ساحت اقدس مذکور گردید (روز ۱۵ اجمادی الاخره اول ماه جون ۱۹۱۳)  
 جمعی از اجبا و دوستان با نهایت اشتعال و خضوع تا ایستگاه راه آهن بشایست قدم  
 مبارک آمده وقت حرکت موکب اقدس در کمال تضرع و ابتهال بودند چون از فن  
 دود نیویورک مراجعت فرمودند در مضرات مسکرات و حکایات تاریخی شرمی

مفضل در مجمع دوستان از سان اهر جاری و عصر از اجاب و بستیدها یکی بعد دیگری  
 در اوطاق مبارک مشرف می شدند از جمله شخصی از اشتراکیتون بود و بعضی از بیانات  
 مبارکه با و اینکه "باشتراکیتون بگو اشتراک در اموال و ارضی این عالم فانی سبب نزاع  
 و جدال است اما اشتراک و وراثت ملکوت سبب یگانگی و ووداد شما بجای اینکه  
 در اشتراک ملکی میکوشید اگر در مسائل ملکوت کوشش نمائید نشاط و سرور ابدی جوید  
 زیرا ملکوت الهی وسیعت آنچه نخواهید بشامید و وسیع نزاع و جدالی نیاند آیا این  
 بهتر و خوشتر نیست؟ انتهی از این قبیل هر نفسی سخطابی مخاطب میشد و با حال آنجذاب  
 و اشتعالی مرخص می گشت روز عا جمادی الاخره ۲ جون محفل مفضل جمعیتی  
 مجلل و کلیسای سنشن بود و نفوس کثیره از خطابات و بیانات یار سر و ظن فیوضات  
 باقیه جستند و توجه بملکوت ملک ذوالهن نمودند و آن مرتبه ثانی بود که آن کلیسا  
 بقدم من طاف حول الاسما مشرف شد می فرمودند اول حین ورود کلیسا حالت  
 صحبت نداشتیم اما چون در مقابل آن جمعیت عظیم ایستادم فضای کلیسا را تمکون از روح  
 القدس یافتیم لذا حالت نشاط و نبساط غریبی دست داد انتهی اما عنوان خطابه مبارکه  
 این بود که کلیسا را بیه نامیده اند به مطلق کتب مقدسه یعنی محل جماع نفوس و جناس  
 مختلفه تا این نمونه و رمزی از معبد حقیقی و شریعه الهی باشد چون شرحی از جهت  
 جامعه امرانند و ظهور بسیار و طلوع حضرت بهار الله فرمودند اهل کلیسا بواسطه کشیش  
 و کتورگرند با نهایت طلب و اشتیاق اذن خواستند که بعضی سوالات عرض کنند

مقبول واقع شد هرگز سوالی داشت تحریر میکرد خادم کلیسا تقدیم نمود و بواسطه  
 مترجم سوال و جواب ترجمه و در آخر خطابه مبارکه ثبت می شد جای دوستان شرق  
 در آنگونه کناس و مجامع عظیمه غرب خالی بود که جلال و جمال مولای خود را چشم سر مشاهده  
 کنند و ذوق نمایند و درک کیفیت و حالتی کنند که پرشته تحریر نماید و در تفسیر  
 بکنجد روز ۱۷ جمادی الاخر (۳ جون) چون بحسب دعوت مسترین شوکی از  
 وزیر آؤکاسینه دولت جمهوری امریکا به سیلاق میلفر دتشریف بردند نفوسی از جمله  
 امریکای شبانه روز در آنجا حالتی دل دوزیافتند و از مشاهده روی جهان آسرو  
 شوق عشقی جانسوز جستند آنچه از بیانات مبارکه در یک مجلس اول حبابه گانه نوشته شده  
 و در مسائل عدیده اجوبه شافی از فم مطهر صادر گردیده خوبسنوی مفصل است و نمونه  
 از بیانات سائره و مسائل مفصله در یک شب و روز از آنجمله چون یکی از حرب عمومی  
 بین دول سوال نمودند لا بد خواهد شد اما امریکا داخل میشود این جنگ در  
 اروپا می شود شما یک گوشه را گرفته اید که کاری بکار دیگری ندارید نه فکر گرفتن  
 قطعات اروپا هستید نه کسی طمع آن دارد که زمین شما را بگیرد راحت هستید زیرا برای  
 شما محیط آلمانیک یک قلعه طبیعی بسیار محکم است اروپا و سایر جهات مجبور خواهند شد  
 که ترتیبات شمارا اجری نمایند در جمع اروپا تغییرات عظیمه روی خواهد نمود و مرکزیت  
 حکومت عظیمه باستقلال ولایات داخل نمیشود خواهد شد و فی الحقیقه این انصاف  
 نیست که ممالک واسعه بواسطه یک نقطه واحد حکومت شود زیرا هر قدر عدالت و کفایت

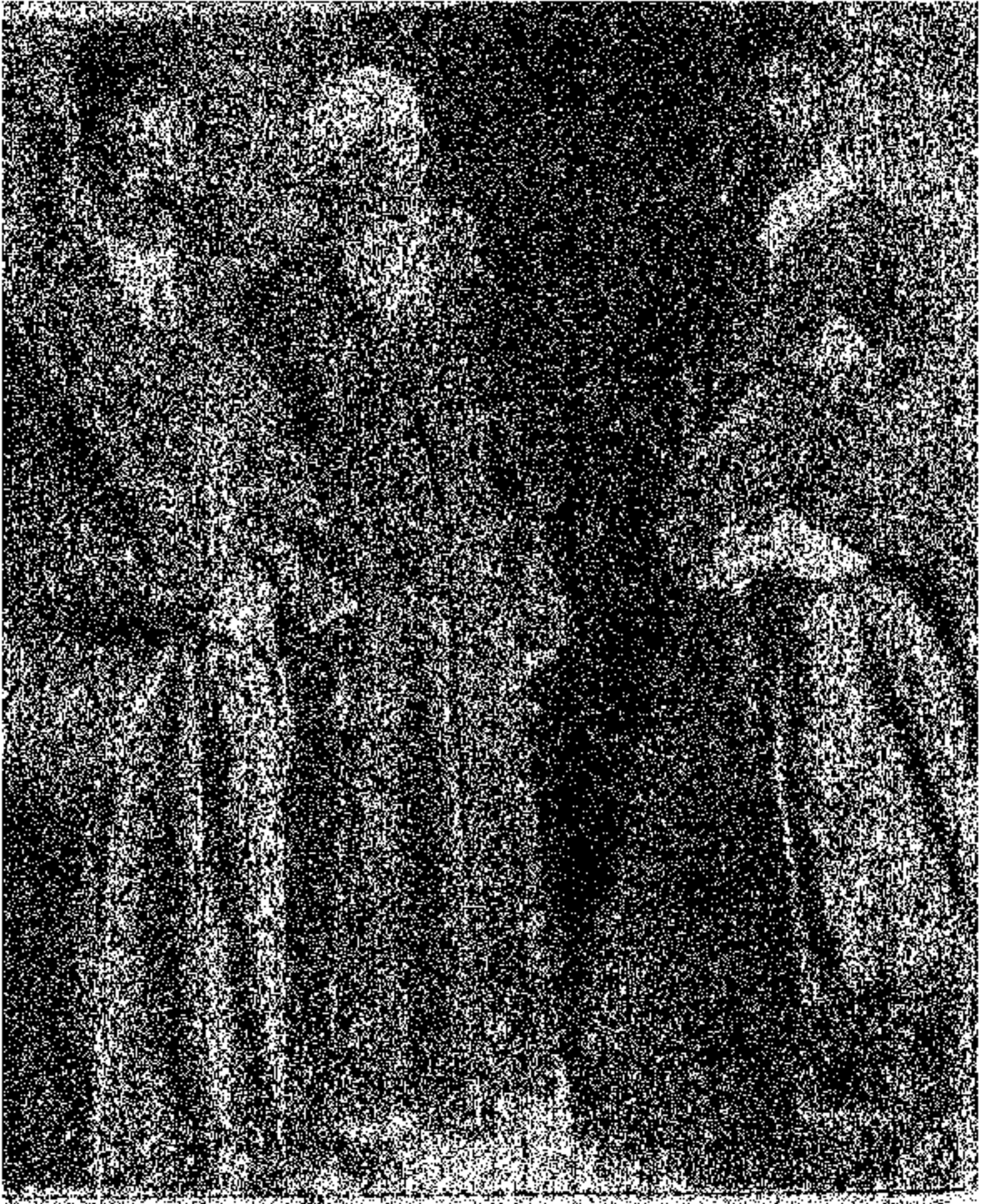
وکیاست اعضا و آن مرکز زیاد باشد باز از احتیاجات لازمہ بر بلند و محلی طبع تمام  
ندارند و در ترقی جمیع اطراف و نواحی منصفانه نمی کوشند مثلاً حالاً جمیع المانیان برلین را  
خدمت می کنند و جمیع فرانسه پاریس خدمت مینماید جمیع ممالک مستعمره یک پایتخت  
عظیمی را زینت میدهد اما حکومت شما خوب ترقیاتی دارد ولی اخیراً بیانه الاحلی

روز ۱۸ جمادی الاخره چون چون از میلند عزم حرکت فرمودند علاوه از تأثیرات  
بیانات مبارکه که چه قدر مؤثر واقع شد احسان و انعام وجود مبارک بنوکران و کینزان ان  
خاندان که جمیع را احضار و پس از اظهار عنایت بهر یک یک دو اشرفی مرحمت فرمودند  
و در حالتیکه قلوب منجذب و اعناق خاضع و وجود بوجه لایع متوجه بانهایت اقتدا  
حرکت فرمودند و در مراجعت خرمی و صفای اطراف را ملاحظه فرمودند که بخت شک  
از دیده های مبارک سرزیر شد بعد معلوم گردید که در یاد و فکر جمال مبارک بودند  
و از بلایای طلعت قدم بشدت مخزون و مگذر آن شب در نیویورک در خانه مسن چینی  
سمت رودخانه بتسن که حسب الامر کرایه گرفته شده بود نزول و ورود فرمودند و مجمع  
شرعی در ترقی امریکا از حیث مدارس و زراعت و تجارت و نجابت دولت و ملت آنها  
فرمودند و در این مدینت مادی بمنزله زجاجی است بسیار شفاف و لطیف اما مدینت  
الهیة نهند سراجی است روشن و غیر چون این دو توأم شود نهایت کمال حاصل گردد  
و زوحدت عالم انسانی و صلح عمومی و تساوی حقوق و اخلاق الهی از این بلاد سرایت  
بسا ارجات کنند و عالم را روشن نماید شخصی سؤال کرد که آیا ممکن است با کثرت مشغولیت

جسمانی چنین پروحانیتی حاصل شود؟ پس بودند) هر قدر نفوس در مادیات ترقی نمایند  
 و با عدال رفتار کنند استعداد روحانیت بیشتر یا بند جسم هر قدر سالم تر باشد  
 جلوه و ظهور روح بیشتر شود. بی چینی که منافی روحانیت است رسومات و تقالیدی است  
 که مخالف علم صحیح و عقل سلیم است انهی روز ۱۹ جمادی الاخره (۵ جون) صبح  
 جمال میثال تملوب یومی جشن اطفال مدارس بیرگلین با بعضی خندانم حضورت شریف  
 بردند جمعیت آن مجلس همه از اعیان و صاحب منصبان و خیریه‌های آن مملکت بودند  
 چون در تالار شرفیات وجود اقدس را زیارت نمودند بصالون غذاخوری تشریف  
 فرماگشتند و آن عمارت وصالون را آئین بسته و میسر بار با انواع گلها زینت داده بودند  
 و اطعمه متنوعه کمی بعد دیگری حاضر شدند که غلب آنها را وجود مبارک حتی دست نزدند  
 و در وقت خوراک بعضی از مشاهیر رجال شروع بصحبت و نطق نمودند از جمله مستر امیرال  
 پری که شخص شهیری است و کاشف قطب شمالی شرحی از کیفیت و وضع سفر خود بصحبت  
 کشف قطب شمالی ذکر کرده باوصاف ظلمت مشهود و شرف خویش حضورانور  
 و اهمیت تعالیم مبارک که پرداخته آخر جای نطق مختصری از محضر اطهر نمود با آنکه بسکال اقدس  
 اراده صحبت نداشتند معبذادر حالت جلوس مقدمه‌های درمکمل و غیر منظم بودن  
 کائنات و نظام و ترقیب عالم بواسطه تربیت که نتیج نتایج عظیمه است فرمودند بعد  
 اهمیت تربیت اطفال را بیان کردند با آنکه نفوس عدیده نطق نموده بودند ولی  
 بیجان و ابراز شدید و توجه انظار و بشارت وجود فقط ازان نطق مبارک

مشاهده گردید. و صین حرکت مبارک بعضی رجا و اصرار نمود و عکس مبارک و خدام حضور  
را برداشتند اما شب مجلس خوبی در انجمن اشکادنا بود جمع کثیری از رجال نیز موجود  
نطقی در تربیت عالم نسوان و عبودیت و انسانیت و ترک ششون نفس و هوا فرمودند  
که تأثیر شدید در قلوب حضار محسوس و عقول و ارواح با وج تقدیس در پرواز و صعود  
بود. روز ۲۰ جمادی الاخر (عجون) صبح مجمع عمومی که در بیت مبارک مجتمع و همه  
تقای انور را منتظر بودند شریف فرمادند که ذکر کلوب جشن اطفال و تربیت آنها فرمودند  
و شرحی در تربیت الهی و اخلاق رحمانی بیان نمودند بعد از آن بر و کلین شریف بردند  
و خدام حضور نیز در محضر اطهر برای نماز در منزل مس نیوتن و مس یوزر موجود و انروز  
همان تازه که از شرق محض شرف بساحت قدس رسید جناب میرزا علی کبیر  
نخجوانی بود که سرسیر از ایشان استفسار از حالات شرق می فرمودند و لطفی مختصر که  
در آن مجمع فرمودند این بود (هو الله) در عالم وجود امری عظیم از اینگونه محافل نیست که  
محض محبت الله انعقاد گشته ملاحظه نمایند قومی از شرق قومی از مغرب چگونه در نهایت  
الفت در یک باط جاسیم اینگونه الفت و اتحاد تجلی بود قوه حضرت بهار اللین قلوب  
را الفت داده و این نفوس را در ظل کلمه واحد در آورده هرگز یک خاندان باین درجه  
از محبت جمع نمی شوند و باین فرح و سرور با یکدیگر معاشرت نمی کنند این قوه الهیه است  
و نفوذ کلمه الله که باین بشارت و بخت مجتیم توجه بلکه تاهی داریم و مانند آنها  
گلشن گلستان از نسائم عنایت و احسان در آئین داریم امروز روزیست که فراموش نخواهد شد





Abdul Baha's photograph taken when he visited the Unity Club  
in Brooklyn.